

ملکانه و دزم خسروانه آبیاری کند؛ تا نخل‌های امید به‌زودی خرم و بارآور شود و اغدان آعال به هر مرز و بوم سایه حیوة افکند . هر چند مقدرات الهی را حکمت‌های بی‌منتهاست ، لکن ظاهراً حکمتی که حادثه کنونی را ضمیمین تواند بود همین است که در اراده ازلی چنان رفته مگر خدایگان معظم اعزه الله امره نصر لوائه را در تکمیل اقدامات و تحصیل ثنوبات پدر و الایبار در حصول این شرف بزرگ سلطنت اساس سهیم و شریک فرماید ، تا تاریخ این عصر فرخنده قدر که مفتح عهد عدل و امن است به نام نامی این دو پادشاه معدلت دستگاه تا به‌قیامت مطرز بماند و از متون تواریخ ایام محو و منسی نگردد . اکنون چیزی که موجب تسلیت خواطر غم‌دیدگان و مایه آرامش قلوب عموم ایرانیان است؛ تهنیت جلوس میمنت مأنوس و زیارت طلعت همایون و دعای دوام دولت روزافزون است .

خدایا تو این شاه را یار باش بدین پاک قصدش مددکار باش
انتقال روح مقدس شهریار عطوف و غمخوار رئوف ایرانیان .

ایتها النفس اجملی جزعاً آن‌الذی تحذرین قدوقعا
آن‌شاه که شد شمس فلك دره تاجش دیری است که بدخستکی ازسوء مزاجش
با اینکه علاج همه دردی دم‌وی بود گشتند طیبیان همه عاجز زعلاجش

روز شنبه ۲۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ — امروز در تکیه دولت مجلس فاتحه منعقد ، عموم علماء اعلام و طلاب عظام و رجال دولت و اعیان و وکلاء ملت حاضر بودند جناب آقا سید جمال و بعضی از اهل منبر در بالای منبر روضه و موعظه نمودند و طلب فاتحه برای شاه مرحوم نمودند . در این روز دسته‌ها از مجله‌ها حرکت نموده آمدند به تکیه دولت شاگردان مدارس و مکاتب به حالت عزاداری آمدند و خطابه‌های خود را قرائت نموده تمزیت گفته مراجعت نمودند .

شرفیابی

وکلاء مجلس به حضور محمدعلی‌شاه

روز یکشنبه ۲۸ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ — امروز هنگام عصر و کلاهی مجلس مبعوثان از طرف ملت و انجمن شورای کبیر ملی در بارگاه اعلی شرفیاب شده تمزیت و سوکواری خود را تقدیم پیشگاه همایون داشتند . اعلیحضرت هم از وکلاء به خوبی تلقی و پذیرائی فرمود .

در این دوسه روزه سر در عمارت بهارستان را که مقام انعقاد مجلس شورای ملی است با تور سیاه ، سیاه پوش نمودند . امروز هم شاگردان مدرسه نظامی و دارالفنون و سایر مدارس ملیه با خطابه‌های تمزیت آمیز به زیارت نعل پادشاه مغفور به تکیه دولت آمدند .

طایفه آرامنه با رؤسای روحانی خود به تکیه دولت آمده اظهار سوکواری نموده امروز سفرای دول در تالار قصر ایض به پیشگاه همایونی مشرف و تقدیم عرایض تعزیت نموده و خاطر همایون را در این سوک بزرگ تسلیت عرضه داشتند .
اعلیحضرت شاهنشاه محمدعلی شاه قاجار در امروز نطقی فرموده که صورتش از این قرار است .

نطق همایونی شاهنشاه محمدعلی شاه

اکنون که قلب ولسان و خامه و دست ما با مجلس ملی مساعد و همراز است منتظریم که در کلیه امور تکالیف بزرگی را که بر عهده گرفته‌اند از عهده بر آیند و خاطر ما را از تسویه امور فارغ کنند و از این تاریخ به بعد وکلای مجلس ملی قدر وقت را بشناسند و با این سبق مجال در ادای تکالیف واجبه خود مسامحه و دفع الوقت ننمایند و با خیالات و نیات ما در اصلاح امور و رفع نواقص همراهی کنند و پیشرفت مقاصد و اراده ترقی خواهانه ما را که دایر به سعادت ملت و ترقی و آبادی مملکت است معاونت نمایند .

بعد از چند دقیقه اعلیحضرت رو به حاضرین و اشاره به فرزند خود شاهزاده محمدحسن میرزا فرموده و نطق ذیل را ادا نمودند .

نطق اعلیحضرت در باره فرزند خود

میل دارم این پسر من به اروپا رود و در آنجا تحصیل علوم لازمه کرده و با تصدیق نامه دکتری معاودت نماید . برخی از حاضرین عرض کردند که (فرزند شاهنشاه را به تحصیل طب و طبابت چه حاجت است ؟) شاه در جواب آنها فرمود اگر شاهزاده وارث تخت و تاج شود خانه دولت دستخوش تاراج گردد میراث شهان بهره یک تن است و سایرین باید طقیل نعمت وی باشند . پس اگر وقتی شهریار بر یکی از ایشان خشم گیرد و او را از در براند از هیچ طرف باب سعادت بروی نکشاید . مگر از طریق علم که عالمان همسر پادشاهانند .

امروز عموم ملت چشم به اقدامات این پادشاه دارند ، که چگونه ابواب سعادت را به روی ملت باز نماید .

روز دوشنبه ۲۹ ذی القعدة الحرام ۱۳۳۴ - امروز مسموع گردید جناب حاجی خمایی مجتهد رشت که مخالف مشروطیت و مانع امر انتخابات رشت بود همراه شده است و حکمی هم که در باب امر مشروطیت داده است به طهران رسید ما صورت آنرا درج نموده و هذا صورته :

حکم و نوشته آقا شیخ محمد خمایی مجتهد رشت

بسم الله تعالى ، بر کافه عباد الله واجب و لازم است اهتمام در امر مشروطه .
 شك نیست که هر کس اخلال کند در امر مشروطه داخل در جیش یزید بن معاویه
 است لعنة الله عليهم اجمعين الله الله العجل العجل العجل منتخبین را زودتر
 بفرستید که طولش اسباب سفک دماء و نهب اموال است . والسلام علی من اتبع الهدی
 روز سه شنبه سلخ شهر ذی القعدة الحرام - مجلس مفتوح و در چند امر مذاکره شد .
 اولاً آمدن وزیر مالیه به مجلس لازم است . ثانیاً - اصلاح بودجه مالیه . ثالثاً - تشکی
 از وزراء و ادارہ ها که به طور استبداد و مانند سابق رفتار می شود . رابعاً - تنظیم مجلس
 و ترتیب نطق و کلاء . خامساً - در باب مجلس تبریز که این چه مجلس است ؟ اگر مجلس
 شورا است که باید در پایتخت باشد و اگر انجمن ایالتی است که مخصوص تبریز نباید باشد
 در سایر بلاد هم باید انجمن ایالتی و ولایتی باشد که ناظر در امر حکومت باشد . سادساً -
 جلوگیری از ظلم فاحش حاکم ها که در شهرها رعایا را به اقسام مختلف اذیت می کنند .
 سابعاً - نظر و دقت در امر قزاقخانه و قزاقها .

وقایع

ماه ذیحجه الحرام ۱۳۲۴

روز چهارشنبه غرة ذیحجه الحرام ۱۳۲۴ - از قراری که شهرت گرفته است حاج دبیرالدوله که سابقاً و کبلاً لشکر و مستوفی کشیک خانه بود دوازده هزار تومان و بعضی می گویند چهل هزار تومان تقدیمی داده است که امر وزیر لشکری به او داده شود یعنی معاون وزیر جنگ ، بلکه خود وزیر جنگ گردد . به این معنی که نایب السلطنه که سپهسالار است باشد لکن پیشکار و معاون او وزیر لشکر که حاج دبیرالدوله است گردد و این مسئله اسباب خیال مردم شده است . در انجمن طلاب هم مذاکره از این امر شده است .

روز پنجشنبه دوم ذیحجه الحرام ۱۳۲۴ - امروز وزراء به مجلس آمده قدری با وزیر داخله مباحثه کردند . قدری هم با وزیر مالیه مذاکره شد . وزیر داخله سلطان علیخان آنچه جواب می داد ساده و عامیانه و از روی واقع وجدی بود ، ولی وزیر مالیه ناصرالمک همه را به طفره و توریه و یا ارشاد و کلاء و القاء علم بود به و کلاء مثلاً : ذکر قانون اساسی و لزوم آن و اصلاح بودجه ایران و انحصار و کلاء ، وزراء را در عده معین و معلوم و بعضی نکات دیگر را در اسروز وزیر مالیه به و کلاء رسانیده . دیگر از تعدیات حکام و تسامح بل ممانعت آنان از امر انتخاب و کلاء بلاد ایران مذاکره شد . وزیر داخله مقبل گردید که به ولایات تلکراف نماید که حکومتها و کلاء را منتخب نمایند . دیگر از فروش آصفالدوله حاکم خراسان دخترهای قوجانی را به خارجه و گرفتن اولاد رعایا را از دامن مادرهاشان در عوض مالیات مذاکره شده پس از صحبت های متفرقه مجلس ختم گردید .

سدر اعظم از امروز شروع در دعوت نامه تاجگذاری و تهیه مقدمات جشن تاجگذاری

می نماید .

جمعه ۳ شهر ذی‌حجه الحرام ۱۳۲۴ - امروز درباریان مشغول تهیه تاجگذاری می‌باشند، رومه دعوت از طرف میرزا نصراله‌خان مشیرالدوله صدراعظم برای علماء و وزراء و سفراء و رجال دولت و ملت فرستاده شد. فردا تاجگذاری خواهد بود. طلاب در مدرسه سپهسالار انجمن کرده خطبا خطابها قرائت نموده و شکایت از بی نظمی مجلس و عدم ترتیب نطقها نمودند. لایحه هم به عنوان مجلس نوشتند که فردا به مجلس بفرستند. صنف ذاکرین و واعظین هم مجلسی تشکیل نموده و مذاکره نمودند، که با این زحمات و رنج هائی که در راه مشروطیت کشیدیم چرا باید از طرف ما يك نفر وکیل به مجلس شورای ملی نرود و چرا ما از این شرف و افتخار مأیوس باشیم. بیداری ملت به واسطه فریاد و ندای ما بود، معاونت علماء اول منحصر به ما بود شروع در مشروطیت و مطالبه حقوق ملت اول از ما بود. نطق های آقا سید جمال و مواظ ملک المتکلمین و حسام الذاکرین و منبرهای آقا شیخ محمد واعظ سلطان الذاکرین و آقا شیخ مهدی سلطان المتکلمین و نطقهای حاجی سید عبدالحسین واعظ در سفارتخانه انگلیس و دوندگی های شریف و اعتماد را هیچ کس فراموش نکرده است بالاخره قرار شد لایحه به مجلس عرض کنند و مطالبه حق خود را بنمایند.

تاجگذاری محمدعلی شاه

روز شنبه ۴ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۴ - برحسب دعوت از طرف صدراعظم و وزیر جنگ رؤسای روحانی و سفراء دول و شاهزادگان و سران و سرداران و وزراء و امراء با لباس تمام رسمی در عمارت شاهی حاضر شده و تخت پله داری گذارده؛ شاهنشاه ایرانین پا به پله تخت گذارده صدراعظم تاج شاهی را به دست گرفته بر سر شاه گذارد. روی تاج به طرف صدراعظم بود به همان طور بر سر شاه گذارد و اعلیحضرت ملتفت شده تاج را به دست خود گردانید و فرمود: جناب صدراعظم تاج خیلی سنگین است سنگینی او مرا صدمه می‌زند، صدراعظم عرض کرد قربان باید متحمل این بار سنگین شوید و طاقت آورید. فوراً بنای موزیک گذارده شلیک توپ به عدد سن شاه که سی و هشت سال باشد کردند. برحسب میمنت عدد صد و ده بقیه را شلیک کردند تا عدد صد و ده تکمیل شده علماء و سفراء و وزراء تمام ایستاده تبریک عرض کردند. به واسطه اینکه تاج را وارونه گذاردند انقلابی در آتیه پدید خواهد آمد. لکن خود اعلیحضرت اصلاح خواهد کرد و به دست شخص شاه انقلابات اصلاح خواهد شد. دیگر آنکه امر سلطنت ایران خیلی سنگین خواهد شد که اعلیحضرت از تحمل آن به زحمت خواهد افتاد. مجعلاً عموم اهالی ایران و خصوص اهالی تهران خورسند و خرم گردیده.

مذاکرات مجلس در چند امر بود: اولاً شکایت و گله از اینکه چرا در مسئله

تاجگذاری و کلاه و مبهوثان ملت را اطلاع نداده و از آنها دعوت نکردند. ثانیاً ترتیب نطق و کلاه آیا باید به محل معین بایستند و نطق کنند یا از هر جا که میل دارند. ثالثاً مذاکره از سیادان رشت و انزلی و مطالب متفرقه.

یکشنبه پنجم ذی الحجة الحرام ۱۳۲۴ - مذاکرات مجلس در باب تسامح حاکم های ولایات از انتخاب و کلاه و تشکی از وزیر داخله و وزیر خارجه بود. دیگر مذاکره با وزیر معادن در باب معدن نفت قصر شیرین و غیره به میان آمد. دستخطی از حضرت حجة الاسلام آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی از نجف به عنوان علماء اعلام طهران رسیده که صورت آن درج می گردد (۱)

مکتوب

جناب آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به عنوان حجج الاسلام تهران

بسم الله الرحمن الرحيم - به عرض می رساند : بشارت اتقان امر مجلس محترم شورای ملی که بر سیل اجمال تلگراف آن حجج الاسلام دامت برکاتهم متضمن بود. و در طی مکاتیب واصله تفصیل حسن ترتیبات را دیگران اخبار نموده اند.

از اعظم بشارت و البته این توجه نفوس و اتفاق ملی به منشاء دیگر مستند و از مدد غیبی کاشف و بعید است (۲) که ان شاء الله تعالی عنقریب نتایج مأموله به احسن وجه مترتب و ناممان در عداد سایر ملل و دول قویه عالم به شمار آمده و این معنی از اثر سعادت این عهد همایون و حسن نیت این شاهنشاه دین پرور ادام الله تعالی سلطانه در اعصار لاحق یادگار بماند و یقین است که فصول نظامنامه قانون اسلامی (۳) را به حسن مراقبت آن آقایان عظام طوری مرتب و تصحیح فرموده اند که در موارد و مراجعه به محاکمات و سیاسات با موازین شرعیه منطبق و به توارد انتظار و مرور دهور و اعصار مورد شبهه و اشکال نباشد، ان شاء الله. و چون در این موقع مبادرت به تشکر از این نعمت و تبریک این موهبت مناسب بود، لهذا به عنوان خود مجلس محترم شرحی معروض و ضمناً هم مهام لازم را که اهم همه ترتیبات صحیح در تخلص از ذلت قرض دولت ابد آیت است، مذاکره نموده از لحاظ عالی خواهد گذشت، ان شاء الله بذل مراقبت کامله خواهند فرمود.

در خصوص واقعه فجیعه کربلای معلی که البته شرح آن تاکنون به عرض رسیده و خاطر آقایان مسبوق است که منشاء النجای کسبه بیچاره آن بلده مقدسه به انگلیس سخت گیری حکومت بر خصوص آنها دون اتباع سایر دول در مطالبه

شهریه که در سال غارتی کربلا برای تدارک مصارف سوق عسکریان بلده مقدسه احداث نموده بوده و از روی نقشه طهران و تبریز آن بیچارهها خود را در این ورطه واقع ساختند و چون مقصودشان حمایت و رفع اجحافات بود قبول نشد متصرف کربلا هم که رشید پاشامفتی زاده زهاوی بنگادی است به اقتضای شدت مخالفت پلئیکی این موقع را مغتنم شمرده و در هشتم شهر صیام با جماعت ضبطیه و عسکر و غیرهم بر آنها هجوم و راه فرار برایشان مسدود و همه را هدف گلوله نموده و آخر کار رئیس عسکریه ترحم کرده راه فراری برای ایشان باز نموده جمع کثیری از آنها مقتول و جمعی مجروح و بعد از فراغ از قتل نفوس به نهب اموال و حتی سلب اجساد مقتولین پرداختند و با آنکه مدتی گذشته و چگونگی را تلگرافاً خدمت صدارت عظمی دامت شوکتہ معروض داشته، معیناً تاکنون از تدارک این واقعه و مجازات مرتکبین اثری ظاهر نشده و امید است که منتقم حقیقی کیفر بدهد. بلی امری که موجب مزید بزرگی این مصیبت است جرئت و جسارت حکومت برای عمل شنیع بعد از گرفتن سند رسمی از مأمور انگلیس، بعد، ارتباط این جماعت به او محض استضعاف دولت بوده معیناً و هن و این معنی مزید اصل مصیبت و بیشتر موجب احتراق قلوب است.

علی کل حال رجاء و ائق هست بهمدد غیبی و الطاف لاریبی تدارک این مصائب وارده بشود. لاحول و لا قوه الا بالله [العلی] العظیم و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. (الاحقر محمد کاظم الخراسانی عفی عنه)

دوشنبه ششم ذی الحجة الحرام ۱۳۲۴ - امروز حجج اسلام و علماء اعلام و طلاب و بعضی از وکلاء و ناطقین و جناب صنیع الدوله و مخبر الملک و مخبر السلطنه در خانه ظهوری الاسلام به عنوان مهمانی و ضیافت حاضر شده، آقای طباطبائی قدری تغییر و تشدد و پرخاش به معاندین نموده، طلاب حضوراً به صنیع الدوله سخت گرفته به طوریکه صنیع الدوله گفت: من از ریاست مجلس استعفا می‌دهم و در باب بلیط مجلس مذاکره شد. بعضی گفتند بلیط مناسب ندارد. باری مقصود ظهوری الاسلام از این مهمانی این بود که بین آقایان و امام جمعه را صلح دهد ولی آقایان به این شرط آمدند که امام جمعه را دعوت نکنند. ظهوری الاسلام اگر چه قبول کرد و از برادر بزرگ خود عذر خواست؛ لکن مقصود خود را انجام داده و رفع کدورت آقایان را نموده چون امام جمعه از بانگ ملی همراهی نموده و از مجلس و مشروطیت در مجالس تعریف می‌کند لذا آقایان نرم شده و اظهار داشتند که امام جمعه بیاید به مجلس شورای ملی تا رفع کدورت بشود و بکلی باهم دوست باشیم ظهوری الاسلام هم قول داده که ایشان را بیاورد.

موافقت باب عالی با تقاضاهای قونول ایران

در باب واقعه کربلا و التجای ایرانیان به قونولگری انگلیس و بی‌مبالاتی مأمورین عثمانی، جناب ارفع الدوله سفیر کبیر رسماً چهار فقره را از باب عالی مطالبه نمود :

اول - عزل رشید پاشا حاکم کربلا و تنبیه او .

دویم - عزل مجید بک والی بغداد .

سویم - موقوف کردن شهریه که از هفتاد سال به این طرف از تبعه دولت علیه می گرفتند .

چهارم - تحقیقات مشترک و مؤاخذه و تنبیه مقصرین .

این چهار تکلیف سفارت کبری را قبول کرده اند . مصطفی ذهنی پاشا به جای رشید بیک معین و روانه گردیده . حازم بیک والی بغداد شد و شهریه به طور موقت موقوف و بعد از اجرای تحقیقات لازمه دائماً موقوف خواهد شد . به جهت اجرای تحقیقات مشترک هم والی جدید مأمور است که با مأمور مخصوص سفارت متفقاً رسیدگی نمایند . هر کسی که مقصر در آید به سزایش خواهد رسید .

از قرار اخبار خراسان آصف الدوله جداً مانع از امر انتخاب است و اهل آستانه هم با حکومت همراهی دارند . از قرار اخبار تلگرافی حالت اهالی بروجرد بسیار بد و عمل نهب و غارت در خود شهر و اطراف رواج دارد . شاهزاده سالار الدوله در خارج شهر تقریباً در دو فرسخی منزل دارد و خیالاتش را در باریان در برده اند ؛ آنچه او را احضار می کنند به عذر و بهانه مستمسک می گردد .

نظام السلطنه حاکم تازه شیراز بد سلوک نمی کند در خیال انتخاب و کلاء فارس می باشند . ریاست کشیکخانه را دادند به فتح السلطنه ، امیر بهادر هم باید در خانه نشسته ؛ به عبادت خدا مشغول باشد . ریاست توپخانه را هم دادند به مجد الدوله .

اعمال و افعال این پادشاه جدید از قرار ظاهر بهتر از سابق خواهد بود . مردم امیدوار می باشند که اثرات این سلطان جبران خسارات سابقه را بنماید . فرامین و دستخط هائی که در اواخر مرض شاه مرحوم صادر شده متجاوز از هزار و چهار صد فرمان بوده ؛ همه را جمع کردند والا دیگر نه ملکی برای دولت باقی مانده بود و نه مالی . از جمله خصایص این شاهنشاه جوان بخت آنکه در وقت سواری بهلاوه شلیک توپ ، موزیک هم می زنند و با شوکت و سلطوت فوق العاده حرکت می فرماید .

سه شنبه هفتم ذی الحجة الحرام ۱۳۲۴ - مذاکرات امروز مجلس در چند امر بود :

اولاً - در مسئله امیر اسعد حاکم تنکا بن پسر سپهدار که يك نفر از اهل علم را چوب زده است برای امر انتخاب و آن شخص آقا شیخ محمد نامی است که حکم صدراعظم و مکاتیب علماء را برده است نزد حاکم که باید و کلاء را انتخاب و روانه داریم ؛ امیر اسعد

گفته بود: این حرف‌ها چیست؟ این مجال ثلاثه تنکابن حکومت مستقله است و حکم کرده است آقا شیخ محمد را چوب مفصلی زده‌اند. بعضی می‌گویند ریش او را هم بریده است.

ثانیاً - شکایت از پسر دیگر سپهدار اقتدارالسلطنه که يك نفر سید نوکر خود را چوب زده و کشته است؛ برای اینکه مطالبه مواجب خود را نموده است.

ثالثاً - عدم مساعدت وزراء بل اخلاف ایشان در امر مشروطیت و انداختن خرج و مرج و اغتشاش را در بین مردم. بالاخره قرار شد عریضه به شاه عرض کنند که وزراء را علاج و پسر سپهدار را احضار و در باب طفلی که به واسطه عمل شنیع با او کشته شده است رسیدگی و تحقیق و مجازات داده شود.

روز چهارشنبه هشتم ذی الحجه الحرام ۱۳۲۴ - امروز مجلس تعطیل است. صدراعظم از امروز شروع در دعوت جشن ولیمهدی نموده است که روز شنبه آتیه، ۱۱ شهر حال، شاهنشاهزاده اکبر سلطان احمد میرزا به ولائمه‌دهی برقرار شود.

طلاب تنکابن به قدر سی‌چهل نفر اجماع کرده‌اند در مجالس و خانه‌های آقایان می‌روند و از سپهدار نصرالسلطنه و پسرهایش شکایت می‌نمایند و از طرف سپهدار هم جمعی مشغول دیدن آقایان و جاوگیری از این کار می‌باشند. نتیجه جز رسیدن پولی به اجزاء آقایان نخواهد داد. چه ما وضع را قسمی می‌بینیم که این رشوه و پول سد ابواب نیک‌بختی و سعادت را به روی ایران خواهد نمود؛ فعلاً که بعضی ساکت شده‌اند. اوضاع شهر رو به خرابی و ناامنی است وزیر مخصوص حاکم تهران هم به مسامحه وقت می‌گذرانند.

روز پنجشنبه نهم ذی الحجه الحرام - مذاکرات مجلس در امروز از این قرار است: مذاکره در خصوص اهالی تنکابن و سپهدار و قرائت عریضه سپهدار به میان آمد و قرار شد طرفین را احضار به تهران نمایند. دیگر در باب عدم ترتیب نطق و کلاء و نبودن نظم در مجلس، دیگر در باب مسئولیت وزراء و آمدن آنها به مجلس، دیگر اعطاء مناصب و بخشش و تفریط مالیه دولت بدون اطلاع و تصویب مجلس، دیگر در خصوص مسیونوز وزیر گمرک و اینکه او باعث اغتشاش سرحد ایران و عثمانی شده است، دیگر در باب جشن ولیمهدی که از شش نفر و کلاء مجلس دعوت کرده‌اند که آیا بروند یا نروند. بنا بر قرعه شد پس از قرعه اکثریت آراء به رفتن شد.

روز جمعه دهم - امروز طلاب در انجمن خود شکایت از منشوش بودن شهر و اینکه الواط و سرباز علناً مال کسبه را به غارت می‌برند نمودند. امروز جناب ذوالریاستین کرمانی آمد بنده منزل که جمعی از رفقا و دوستان خیال دارند انجمن مخفی منعقد نمایند و از من و شما و آقا سید برهان‌الدین که هر سه از اجزاء انجمن مخفی اولیه بودیم دعوت نموده‌اند. بنده نکارنده جواب دادم که غرض و مقصود ما از اقدام به تأسیس انجمن، بیداری مردم بود بحمدالله به مقصود خویش نایل آمدیم و اهالی ایران از خواب بیدار شده‌اند و به صرافت

مطالبه حقوق خود افتاده اند . جناب ذوالریاستین گفت : امروز سعی در بیداری و اتفاق و اتحاد مردم بیش از پیش لازم است و اگر مقصود فقط ارشاد و آگاهی بود که قبل از ما آقا سید جمال الدین اسدآبادی و آقامیرزا آقاخان کرمانی و مرحوم شیخ احمد روحی کرمانی و مرحوم حاجی میرزا احمد کرمانی و سایرین اقدام به این مقصود نموده پس ما امروز باید مردم را واداریم به اتحاد و عدم خلاف بالاخره قرار بر این شد که جمعه دیگر در خانه جناب آقا سید برهان خلخالی حاضر شده و در این امر گفتگو نمائیم آنچه نتیجه داد در موقع می نویسم .

انتشار روزنامه تمدن و شرح حال مدیر روزنامه

روزشنبه یازدهم ذی الحجه الحرام ۱۳۳۴ - امروز روزنامه تمدن طبع شده مدیرش مدبر الممالک هرندی که از جوانان باهوش و فتانت است سنش بیست و دو سال در چند سال قبل از این برای تحصیل علم از اصفهان آمد به تهران ، در حالتی که عمامه به سر و در عداد طلاب و محصلین به شمار می رفت در سال گذشته که عین الدوله صدراعظم و علاء الدوله حاکم تهران بود چند روز قبل از واقعه قند و رفتن علماء به حضرت عبدالعظیم يك شب کالسکه عین الدوله از خیابان ناصریه می گذشت سنگی آمد به شیشه کالسکه و شیشه را شکست ، این مسئله به حکومت راپرت داده شد و چون منزل مدبر الممالک که در این وقت مدبر الشریعه بود، در بالاخانه که در این خیابان باشد واقع بود . لذا اجزاء حکومت آمدند و صاحب منزل مدبر الشریعه را گرفته که شب گذشته در این خیابان سنگ به کالسکه صدراعظم زده اند و شما باید اطلاع داشته باشید . مدبر الشریعه گفت من شب گذشته جمعی از دوستان خود را دعوت نموده و مشغول پذیرائی از مهمانان بوده از این امر اطلاعی ندارم . اجزاء حکومت و فراش های ظالم طمعکار که همه وقت به جان مردم می افتند مطالبه شبرینی از مدبر الشریعه نموده ، بیچاره مدبر به اطمینان عمامه خود و اینکه در اصفهان احدی نمی توانست ظلم و اجحاف به اهل علم و معممین نماید ، به تشدد و تغییر جواب فراش ها را می دهد . فراش ها هم او را گرفته می آورند نزد علاء الدوله و می گویند زنده سنگ به کالسکه صدارت این آخوند جوان است . علاء الدوله چون دید مدبر با داشتن عمامه به سر و عبا به دوش شلوار و ستره پوشیده و ریش هم تراشیده است حکم می کند مدبر را به فلکه می بندند و پانصد شلاق به پاهای او می زنند و می گویند من خرج عن ذیه قدمه هدر ، اهل عمامه را چه به شلوار و ستره و تراشیدن صورت و منزل گرفتن در خیابان؟ مدبر می بیند احدی از آقایان و علماء از او همراهی نکرد و اقلاً از حاکم استفسار نکردند که چرا و برای چه او را شلاق زده لذا عمامه را برداشت و کلاه به سر گذارده و داخل شد در مطبعه خورشید و به واسطه کفایت و لیاقت خود به راه ترقی افتاده تا به امروز مدبر الممالک مدیر روزنامه تمدن گردید .